

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

روز قتل‌عام یهودیان

رژیم صهیونیستی با وجود همه تلاش های خود و شرکای نظامی‌اش **دریک بن بست رسانه‌ای** و **جنگی تمام‌عیار** **قرار گرفته** است

اسرائیل در بن بست

زهرآ طیبی

خبرنگار گروه نقد روز

تحولات بعد از آغاز عملیات طوفان الاقصی آنقدر سرعت گرفته که ممکن است هر لحظه اتفاق تازه‌ای رخ دهد و شرایط جدیدی را برای مردم فلسطین و ساکنان سرزمین های اشغالی به همراه بیاورد. درحالی‌که اخبار احتمال توافق برای آتش‌بس تأیید و تکذیب می‌شود و رژیم صهیونیستی برای حمله زمینی به غزه احتیاط می‌کند، می‌توان گفت تا اینجای ماجرا، صهیونیست‌ها شکست سنگینی خورده‌اند و به دلیل شرایط پیچیده‌ای که در منطقه دارند، از دادن پاسخ سنگین هراس دارند. اما این شکست برای صهیونیست‌ها نه تنها در بعد نظامی، بلکه در ابعاد دیگر به خصوص رسانه‌ای نیز رخ داده است.

بی بی فارسی؛ اسرائیل بد نیست؛ جنگ بد است
ورود زمینی حماس به سرزمین‌های اشغالی آنقدر برای صهیونیست‌ها غیرمنتظره بود که در میان بهت ناشی از اسیر شدن نظامیان رده بالای صهیونیستی و کشته شدن برخی از آنها و ضربه جدی به امنیت در سرزمین‌های اشغالی، تنها راه برای تغییر شرایط به نفع صهیونیست‌ها استفاده از حربه قدیمی مظلوم‌نمایی برای صهیونیست‌ها بود. حربه‌ای که البته با چاشنی اخبار جعلی همراه شد و تلاش شد تا افکار عمومی دنیا را به سمتی ببرد که عملیات حماس را محکوم کند. خبر بریده شدن سر نوزادان اسرائیلی توسط حماس یکی از این اخبار بود که حتی به کاخ سفید نیز رسید و رئیس‌جمهور آمریکا نسبت به آن واکنش نشان داد. اما خیلی زود مشخص شد که این موضوع تنها ادعایی است که هیچ سندی مبنی بر رخ دادن آن وجود ندارد. رسانه‌های فارسی زبان خارجی در روزهای آغاز عملیات تلاش کردند تا این گزاره را اثبات کنند که حماس در حمله به سرزمین‌های اشغالی، جنایت جنگی انجام داده است. در این میان نگاهی به موضع‌گیری‌های رسانه‌های فارسی‌زبان این موضوع را روشن می‌سازد که درک درستی از جانب این رسانه‌ها نسبت به اتفاقات فلسطین وجود ندارد. یکی از این موارد مطرح فکردن ادعایی در این مورد است که «حماس مردم غزه را گروگان گرفته تا سیاست‌های خود را اجرا کند.» این گزاره نشان می‌دهد رسانه‌های فارسی‌زبان شناخت درستی از ساکنان نوار غزه و فعالیت و اقدامات حماس و میزان محبوبیت حماس در میان ساکنان غزه ندارند. شاید این موضوع باعث شد سیاست مظلوم‌نمایی صهیونیست‌ها و قرار دادن حماس در موضع ظالم چندان مورد توجه قرار نگیرد و این رسانه‌ها برای اد دست ندادن مشخص از موضع عقب‌نشینی کرده و تلاش کردند تا به جای قرار دادن حماس در موضع ظالم، از تلخ و غریبالقبول بودن اصل جنگ صحبت به میان بیاورند و تا حدی در موضع بی‌طرفی قرار بگیرند و نمونه آن را می‌توان در اظهارنظر کارشناس بی‌بی‌سی فارسی دید که در جمله‌ای به اتفاقاتی که در غزه درحالی رخ دادن است، اشاره کرد و از آن به‌عنوان عواقب تلخ جنگ و زشتی‌های آن حرف به میان آورد.

سرباز اسرائیلی: از من درباره کودکان فلسطینی نپرس!
در میان افکار عمومی دنیا حملات صهیونیست‌ها به نوار غزه کافی بود تا پروژه مظلوم واقع شدن صهیونیست‌ها از جانب افکار عمومی مورد توجه قرار نگیرد و رسانه‌های خارجی نیز از موضع حمایت از صهیونیست‌ها فاصله بگیرند. در این بین شاید بشود واکنش «نفالی بنت» به سوال خبرنگار اسکای نیوز درباره وضعیت کودکان غزه را امری دانست که نشان می‌دهد صهیونیست‌ها ناامید از تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی جهان، برای بازگرداندن ثبات به سرزمین‌های اشغالی به هر ریسمانی جنگ می‌زنند، بنت، نخست‌وزیر پیشین رژیم صهیونیستی در پاسخ به سوال مجری اسکای نیوز درباره وضعیت نگران‌کننده کودکان غزه، این‌طور پاسخ داد: «چت شده از من درباره غریبزفامیان فلسطینی می‌پرسي؟» مجری اسکای نیوز اگرچه پاسخ می‌دهد که من به‌عنوان یک خبرنگار می‌توانم سوال بپرسم اما این واکنش بنت برای اثبات این گزاره به افکار عمومی دنیا کافی بود که صهیونیست‌ها نژادپرستانی هستند که قطع آب و برق در غزه و بمباران مناطق مسکونی غزه را حق خود می‌دانند.

لغو مذاکرات عادی‌سازی، اولین تیر تکرش عملیات حماس

شاید بشود گفت صهیونیست‌ها تا اینجا جنگ روانی را به فلسطینی‌ها باخته‌اند. پوشش لحظه به لحظه اتفاقات و جنایت‌هایی که رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی مرتکب شد، افکار عمومی دنیا را تحت تأثیر قرار داد. فارغ از موضع‌گیری چهره‌ها و فعالان اجتماعی در جهان عرب، برگزاری تجمع‌ها در نقاط مختلف دنیا را شاید بتوان مصداق یکی از مواردی دانست که فشار مضاعفی برای صهیونیست‌ها به همراه داشته است. رژیم صهیونیستی درست در روزهایی که تلاش می‌کرد آنچه در گذشته اتفاق افتاده و چه‌پای نژادپرست و ضدحقوق بشری، از آنها در خاطر گذاشته است را سفید شوی کند، در روزهایی که بعد از صلح ابراهیم درحال به نتیجه رساندن مذاکرات عادی سازی روابط با عربستان برای ایجاد ثبات در منطقه برای خود بود، با آغاز عملیات حماس، تمام برنامه ریزی‌های خود را شکست خورده می‌دید. با وجود همه این تلاش‌ها برای شستن چهره بین‌المللی رژیم صهیونیستی، باز هم خشک افکار عمومی دنیا را نسبت به اقداماتش جلب کرد و متفاوتتر از گذشته شد. تجمع پاکستانی‌ها در پیشاور، تجمع در مادرید اسپانیا، لندن و پاریس علیه رژیم صهیونیستی، تیر خلاص و سفید شویی اقداماتش رژیم برای کم کردن نفرت نسبت به خود بود. اگر کنار این تجمعات واکنش چهره‌های مثل محمدصلاح بازیکن تیم لیبوروف، بورا، بلاگر و آشپز معروف ترکیه‌ای، اریک کانتونا ستاره انگلیسو، سابق منجسترونیاتید، کریم بنزما ستاره فوئتبال جهان رافزار بدهیم، می‌شود گفت شرایط برای صهیونیست‌ها با روزهای قبل از ۷ اکتبر تفاوتی جدی پیدا کرده است. همین امر باعث شد مقامات کشورهای مختلف در مقابل این اتفاقات واکنش نشان دهند و برخی نیز به جهت جو به وجود آمده مجبور به واکنش شوند. وزیر خارجه چین گفت: «اقدامات اسرائیل، فراتر از دفاع از خود است.» پوتین نیز اقدامات صهیونیست‌ها را به نازی‌ها تشبیه کرد و گفت: «محاصره غزه شبیه محاصره لنینگراد از سوی نازی‌هاست.» پادشاه اردن هم قطع آب و برق غزه را جنایات جنگی دانست. در این میان اما شاید بتوان سنگین‌ترین عواقب این حملات و جو منفی به وجود آمده علیه جنایات صهیونیست‌ها را تعلیق مذاکرات عادی سازی روابط با عربستان دانست. خبرگزاری رویترز به نقل از منابع آگاه نوشت اگرچه واشگتن عربستان را برای محکوم کردن عملیات حماس در سرزمین‌های اشغالی، تحت فشار گذاشته

اما وزیر خارجه سعودی این درخواست را رد کرده و مذاکرات عادی سازی با رژیم صهیونیستی را به حالت تعلیق درآورده است. می‌شود گفت این امر عادی سازی روابط عربستان با صهیونیست‌ها را تا مدت نامعلومی به تعویق انداخته؛ چراکه جنایت‌های اخیر صهیونیست‌ها بار دیگر منجر به خشم و واکنش جهان عرب شده است و رژیم صهیونیستی، راه سختی برای عادی سازی و به رسمیت شناختن خود در میان جهان عرب به همراه خواهد داشت و به نظر می‌رسد عربستان نیز متأثر از این جو منفی، فعلاً تمایلی برای ازسرگیری مذاکرات عادی سازی با رژیم صهیونیستی نداشته باشد.

تخریب چهره حماس؛ تلاش صهیونیست‌ها برای جبران شکست

در سمت دیگر این جنگ، جنبش مقاومت اسلامی قرار دارد که با آغاز عملیات طوفان الاقصی، ابتکار عمل را به دست گرفت و صهیونیست‌ها را دچار سردرگمی کرد. بازداشت فرماندهان صهیونیستی و کشته شدن برخی از آنها امری نبود که بتوان آن را ناشی از حملات کور حماس به سرزمین‌های اشغالی دانست. در این میان امدارباره آنچه حماس در واقعیت میدان انجام می‌دهد، چند گزاره مطرح است. آغاز حمله پیش‌دستانه حماس به سرزمین‌های اشغالی و اسیر کردن چند صهیونیست و همزمان از کار انداختن کنگید آهینسن و هک سامانه‌های رژیم صهیونیستی امری بود که می‌شد حدس زد، صهیونیست‌ها پاسخ آن را با تنگ‌تر کردن محاصره غزه خواهند داد، همین امر را روزهای آغاز حملات صهیونیست‌ها به نوار غزه از جانب رسانه‌های حامی صهیونیست‌ها مطرح شد که اسرائیل درحال دفاع مشروع از خود است و حماس مقصر حمله اسرائیل به نوار غزه است. موضوعی که تلاش می‌کرد به نحوی به ایجاد فاصله میان مردم فلسطین و حماس بپردازد. فارغ از اینکه این موضوع در واقعیت میدان اتفاق نیفتاد و فلسطینی‌ها به حمایت از عملیات حماس در سرزمین‌های اشغالی پرداختند، اما حملات و بمباران نوار غزه، موضوعی نبود که تنها اختصاص به پاسخ عملیات طوفان الاقصی داشته باشد، پیش از این، حماس همواره درحال پاسخ دادن به حملات صهیونیست‌ها به نوار غزه و کشته و زخمی کردن فلسطینی‌ها، بوده است و تفاوت این عملیات این است که حالا ابتکار عمل در اختیار حماس بوده و اقدامات صهیونیست‌ها نیز با واکنش آنها و محور مقاومت همراه خواهد شد. از طرفی موفقیت‌های غریبال‌انکار حماس در این عملیات منجر شده تا با فضاسازی رسانه‌ای و بعضاً جعل اخبار این اقدامات با فعالیت‌های داعش مقایسه شود و آنها را تروریست‌های افراط‌گرا معرفی کنند. حالا می‌شود گفت محبت غریبال‌انکار حماس در این عملیات آنها را به سمت تخریب چهره و شکست حماس در میان مردم فلسطین و جهان عرب ببرد. مطرح شدن گزاره‌هایی دراین‌باره که حماس به دستور ایران عملیات را آغاز کرد را می‌توان در همین چهارچوب تحلیل کرد؛ چراکه مشخص است انجام عملیات بی سابقه حماس در سرزمین‌های اشغالی، درحالی‌که کشورهای عربی به سمت عادی سازی روابط با اسرائیل و به فراموشی سپردن آرمان فلسطین حرکت می‌کردند، بار دیگر آرمان فلسطین و موضوع غضب مردم فلسطین را به صدر اخبار رسانه‌های جهان تبدیل کرد و با واکنش مردم و افکار عمومی دنیا همراه شد. این امر به وضوح تأثیر قابل توجهی بر محبوبیت جنبش مقاومت اسلامی میان مردم فلسطین و جهان اسلام خواهد گذاشت و تلاش‌ها برای کم کردن محبوبیت حماس در این راستا قابل توجه است.

اسرائیل در محاصره

«این شدیدترین ضربه‌ای است که اسرائیل از زمان تأسیسش در ۷۵ سال پیش تاالآن متحمل می‌شود.» این اظهارنظر ایهود باراک، نخست‌وزیر پیشین رژیم صهیونیستی درباره عملیات اخیر صهیونیست‌هاست. باراک البته در پاسخ به سوال مجری بی بی‌سی «دره اینکه آیا تنگ‌تر کردن محاصره غزه و قطع آب و برق و ممناعت از ورود غذا به نوار غزه قابل قبول است، پاسخ می‌دهد: «فعلاً قابل قبول است… من از این اقدام حمایت می‌کنم.» شدیدتر شدن ضربات عملیات طوفان الاقصی را می‌توان کنار وقایع سیاسی داخل سرزمین‌های اشغالی قرار داد. اختلافات سیاسی اسرائیل پیرامون اقدامات نتانیا‌هو و تصویب قانون اصلاحات قضایی، یکی از مواردی بود که در ماه‌های اخیر سرزمین‌های اشغالی را با چالش و بی‌ثباتی همراه کرده بود، در این میان حمله حماس به سرزمین‌های اشغالی را می‌توان برین بحران‌ها افزود. پیش‌بینی نکردهن احتمال حمله مقاومت به سرزمین‌های اشغالی و وارد شدن ضربات بی سابقه به صهیونیست‌ها، امری است که احتمالاً در ادامه حیات سیاسی نتانیا‌هو موثر واقع خواهد شد. برمیانی نظرسنجی که روزنامه صهیونیستی جروزالم پست منتشر کرده از هر پنج صهیونیست، چهار نفر نتانیا‌هو و دولتش را در اتفاقات اخیر مقصر می‌دانند. درکنار این استغفای وزیر اطلاع‌رسانی کابینه نتانیا‌هو و تصاویر حضور وزیر محیط‌زیست صهیونیست‌ها در میان مجروحان شهرک نشین و برخورد تند آنها با وی نشان می‌دهد اوضاع برای صهیونیست‌ها بسیار پیچیده‌تر از گذشته است. درمقابل می‌توان گفت اسرائیلی‌ها از انجام حملات جدی مثل حمله زمینی به نوار غزه و تصرف نگرین‌بند، در روزهایی که بعد از صلح ابراهیم تانک‌های صهیونیست در مرز غزه و تهدید صهیونیست‌ها برای ورود اما تا لحظه تنظیم این گزارش، حمله زمینی از سوی صهیونیست‌ها صورت نگرفته است. علت ممانعت صهیونیست‌ها از ورود به خاک غزه را می‌توان احتمال شکست آنها به خاطر ورود زمینی به غزه دانست این احتمال وجود دارد که صهیونیست‌ها با ورود به خاک غزه و متحمل شدن شکست، شرایط را برای خود پیچیده کنند و شکست سخت دیگری متحمل شوند. از طرفی نیز می‌شود گفت احتمال ورود دیگر جبهه‌ها به جنگ با صهیونیست‌ها وجود دارد، حملات حزب الله لبنان به سرزمین‌های اشغالی، در پاسخ به حملات صهیونیست‌ها و حملاتی از خاک سوریه این هشدار را برای صهیونیست‌ها به همراه دارد که ورود زمینی به خاک غزه منجر به شنیدن پاسخ‌های سنگین‌تری از جانب جبهه مقاومت خواهد شد. سفرهای منطقه‌ای امیرعبد‌الهیان همزمان با آغاز عملیات طوفان الاقصی را می‌توان در همین چهارچوب مورد تحلیل قرار داد. براین اساس با گذشت ۱۰ روز از آغاز عملیات طوفان الاقصی و با وجود تنگ‌تر شدن محاصره غزه و گسترده شدن حملات صهیونیست‌ها به نوار غزه و حملات مقاومت به سرزمین‌های اشغالی، شرایط به حدی درحال پیچیده شدن است که کوپی صهیونیست‌ها درحال فرو رفتن در باتلاقی هستند که حماس برای آنها به وجود آورده و جدای از تعلیق مذاکرات عادی سازی با عربستان، ایجاد دوباره فضای ضد صهیونیستی در جهان اسلام و غرب و متحمل شدن خسارات سنگین و اسیر و کشته شدن نظامیان و شبه‌نظامیان صهیونیستی منجر به فرار گفن صهیونیست‌ها در موضع ضعف مذاکرات احتمالی برای پذیرش آتش‌بس خواهد شد.

صدای اعتراض به جنایات رژیم صهیونیستی به جلوی در ساختمان بی‌بی‌سی در لندن هم رسیده و خبرنگاران آن حالا با چشم غیرمسلح از پنجره هم می‌توانند واقعیت فضای ضد صهیونیستی جهان را درک کنند، اما تعجب برانگیز است که کارکنان این رسانه هنوز سعی در کتمان ماجرا داشته و تصاویر جنایات آنها را نادیده می‌گیرند. البته مشی ضدانسانی این رسانه‌ها و هم‌سوئی آنها با سیاست‌های غرب تعجب برانگیز نیست، آنچه تعجب برانگیز است کنار گذاشتن کامل حداقل دستورالعمل‌های رسانه‌ای ا مواجه با مخاطب است. حداقل‌هایی که نادیده انگاشتن آنها حاصلی جز ریزش مخاطب ندارد و تنها زمانی توجیه پیدا می‌کند که شأنیت رسانه به بلندگو تغییر پیدا کند. به نظر می‌رسد مدیران این رسانه نیز علی‌رغم علم به اثرات نامطلوب مشی خود چاره‌ای جز تبعیت از دستور نخواهند داشت. درست مشابه زمانی که رسانه سلطنتی بریتانیا برنامه هایش را برای پوشش لحظه‌به لحظه مراسم پرهزینه دفن ملکه تعطیل کرده بود، اما کاربران بریتانیایی هم‌زمان تام‌لین تویتبر را با محتوای انتقادی خود پر کرده بودند و حکومت سلطنتی این کشور را در عصر دموکراسی متحجرانه توصیف می‌کردند. رسانه سلطنتی اما در واکنش به این انتقاد کوچک‌ترین خمی به ابرو نیارود و با قدرت مشی خود را ادامه داد. صاحبان بلندگو به جای اینکه به شنیده شدن پیام‌شان اهمیت دهند، برایشان موه بود که صدای‌شان را تا جای ممکن بلند کنند تا لااقل خردشان صدای دیگری نشنوند. زمانی که رسانه‌ای واضح‌ترین مسائلی را که در جلوی چشم مخاطبانش قرار دارد، نادیده می‌گیرد و برای رضایت پیمانکار سر بلندگو را به جای مخاطب به سمت او می‌چرخاند عملاً پذیرفته تا مرگ خود را اعلام کند. همان کاری که رسانه‌های فارسی زبان خارج‌نشین و رسانه‌های غیرفارسی‌زبان در پوشش اتفاقات فلسطین درحال انجامش هستند.

روابط عمومی شدن هم آداب و اصول دارد

اساساً روابط عمومی‌ها با این هدف شکل می‌گیرند که پیام‌نهاد‌ها را به گوش مردم رسانده و عامل معرفی آنها باشند. این هدف زمانی محقق می‌شود که اصول انتقال پیام رعایت شود. پیام باید قابل پذیرش باشد و مطابق با ذائقه مخاطب پخت‌وپز شده و در زمان و مکان مناسب ارائه شود. نمی‌شود بلندگو را نیمه‌شب روشن کرد و موقعیت زمانی را یک روز آفتابی توصیف کرد. هرچقدر هم که صدا بلند باشد دایرکی شب را که مردم به چشم خود می‌بینند و نمی‌شود منکر شد، چه‌بسا این صدای بلند باعث عصبانیت هر چه بیشتر آنها نیز شود. این مثال توصیف وضعیت امروز بی‌بی‌سی است که خبرنگارانش در اتاق خبر جعل روایت می‌کنند و مردم در کف خیابان روی ساختمان شبی که رنگ خون می‌باشند تا بلکه مدیران این شبکه بتوانند در تاریکی سرزمین‌های اشغالی کمی بوی خون کودکان غزه را حس کنند. اگر نهادی بخواهد از رسانه‌ای برای خود روابط عمومی بسازد و خود را معرفی کند، باید قائل به این اصل باشد که اصول پیام‌رسانی را رعایت کند. اگر قرار است به‌جای جذب مخاطب کسب رضایت صاحب‌کار اصل قرار گیرد و بلندگوی رسانه از مردم به سمت مدیران بالادست چرخش پیدا کند که نیازی به صرف هزینه‌های بسیار نیست، می‌شود یک ضبط صوت را روشن کرد و کاملاً رایگان صدای آن را آنقدر بلند کرد که هیچ صدایی از بیرون شنیده نشود. این شنیده گرفتن اوضاعی را تعجیر نمی‌دهد، عاقلانه پوسته نظامی است که از درون پوسیده نیز فرو می‌پاشد، چه آن نظام شوروی کمونیست باشد، چه صهیونیست فاشیست.

خط بد را پررنگ نکنید

هر رسانه‌ای ناگزیر است مطابق همان خط و مشی سیاسی حرکت کند که اسپانسرهای مالی‌اش از او توقع دارند، به همین دلیل نیز از نگاه‌های رسانه‌ای غربی توقعی نمی‌رود که برخلاف سیاست‌های اعلامی دولت‌های حامی صهیونیست‌ها عمل را به‌طور کامل نادیده بگیرد. اما این توقع می‌رود که لااقل آن رواداشته می‌شود را به‌طور کامل بازرگ کنند. اما این توقع می‌رود که لااقل برای حفظ قدرت نفوذ اجتماعی خود آنقدر دروغ پرزنگی نگویند که نشود آن را باور کرد، به‌ویژه آنکه گسترده بودن حجم جنایات صهیونیست‌ها باعث شده تا صدای فریاد مردم غزه در سانسور گسترده رسانه‌ای هم شنیده شده و جای هرگونه توجیحی مسدود شود. اگر چه نمی‌شود در مورد جنگ به‌عنوان یک رخداد بزرگ مشی بایکوت را در پیش گرفت، اما وقتی تمام واقعیت‌ها به‌ضرب صهیونیست‌ها و حامیان آنهاست می‌شود، حداقل کمتر حرف زد و کمتر اعتبار خرج کرد. رسانه‌های فارسی‌زبان این مهارت را برای سیاه‌نمایی در مورد ایران به خوبی یاد گرفته‌اند و جای سوال دارد که چرا رسانه‌هایی که بلندند در مورد ایران هفت خط بازی در می‌یاورند در مورد اسرائیل تمام‌قد یک خط حمایتی اگرچه را پررنگ می‌کنند.

نوزادانی که نیامده عضو حماس شدند؟

زمانی که فلسطینی‌ها در یک حمله غافلگیرانه با پاراگلایدر بر سر ساکنان شهرک صهیونیست نشین سدیروت فرود می‌آمدند، مجریان رسانه‌های فارسی‌زبان خارج نشین لباس سیاه بر تن با ژستی اندوهگین در مقابل دوربین حضور یافتند و از بی‌ثباتی‌های صهیونیست‌ها حاسمه سوزند، بدون اینکه اشاره کنند آن فلسطینی ساکن غزه برای دفاع از حقوق اولیه خود دیوار محاصره بزرگ‌ترین زندان جهان را شکسته است. حال اما چند روزی است صهیونیست‌های شکست‌خورده در میدان نبرد انواع بمب‌های شیمیایی را در حجم چند صد تنی بر سر یک محوطه چند کیلومتری فروریزند و آب را بر انسان‌ها می‌پندند تا انتقام خود را از زنان و کودکان بگیرند. مجریان‌ها که تا چند روز پیش صهیونیست‌ها را مردم بی‌گناه خطاب می‌کردند نیز درمورد کودکان و زنان ساکن شمال غزه نظری ندارند و با این توجیه که اسرائیل درحال نبرد با حماس است، جنایت را توجیه می‌کنند. کسی هم نیست از آنها بیرسد نوزادان در رحم مادر چگونره فرم عضویت حماس را بر کرده‌اند. توضیحی هم نمی‌دهند که اصلا سربازان مقاومت در حماس بابت چه چیزی ترویبست خطاب می‌شوند؟ بابت سرهایی که نبرینند یا بابت اینکه از حق مردم سرزمین‌شان دفاع می‌کنند. البته درمورد همین دروغ هم رسانه‌های غربی غیرفارسی‌زبان سعی کرده‌اند کمی هوشمندانه‌تر عمل کنند. چسباندن برچسب تروریستی به حماس قواعد خود را دارد. نمی‌شود بدون توجیه افکار عمومی صدا را بالابرد و دیگران را دد و تروریست خطاب کرد، به همین دلیل هم «استیون سکر»، مجری شبکه جهانی بی‌بی‌سی برای سفید شویی وجهه اسرائیل در مورد دلایل کشته شدن کودکان، به سراغ ایهود باراک رفت تا تلویزیون بی‌بی‌سی را به بستری برای فریاد استدلال‌های نخست‌وزیر پیشین رژیم صهیونیستی تبدیل کند. اگرچه او به‌جای یک مصاحبه چالشی صرفاً چند سوال را از ایهود باراک پرسید و با طمأنینه شتونده پاسخ‌های او ماند، اما حداقل این هوشمندی را داشت که سوالات را به نحوی انتخاب کند که

رژیم صهیونیستی با وجود همه تلاش های خود و شرکای نظامی‌اش **دریک بن بست رسانه‌ای** و **جنگی تمام‌عیار** **قرار گرفته** است

اسرائیل در بن بست

زنگی از واقعیت‌های موجود هم داشته باشد. به‌هرحال مردم تصاویر زنان و کودکان کشته شده را دیده‌اند و استیون سکر ناچار است از باراک بیرسد که چرا قربانیان‌تان زنان هستند، چرا مدارس را می‌زنید. سوالاتی که باراک در مقابل، پاسخش این بود که صهیونیست‌ها درحال نبرد با نیروهای حماس هستند و زمانی که آنها در مدارس پنهان می‌شوند به ناگزیر زنان و کودکان هم کشته می‌شوند. همکاران استیون سکر در بی‌بی‌سی فارسی اما انگار درک درستی از میزان آگاهی مخاطب ندارند و یا تکلیف‌شان را با خود اینگونه مشخص کرده‌اند که به‌جای رسانه در قامت واحد روابط عمومی آژتش اسرائیل ایفای نقش کرده و فقط برای مخاطبان رادیکال تولید محتوا کنند. به همین دلیل نیز حتی زحمت فوروارد هم همکار انگلیسی زبان‌شان با نخست‌وزیر پیشین رژیم صهیونیستی را که در سطح جهان شنیده شده است که «مروش خالی از لطف نیست.

جمله اول؛ «در این مرحله عملاً هیچ گزینه دیگری جز گزینه‌ای که دولت بنیامین نتانیا‌هو در غزه دنبال می‌کند، برای اسرائیل وجود ندارد.» بی‌بی‌سی به دلیل عمق فاجعه به تبعیت از باراک جای کلمه نسل‌کشی را با گزینه دولت نتانیا‌هو عوض می‌کند و حتی حاضر نیست کلمه حمله را استفاده کند. جمله دوم؛ «هدف از چنین استراتژی‌ای این است که اطمینان حاصل شود قابلیت‌های نظامی حماس «از بین رفته» و اداره نوار غزه به رهبری تشکیلات خودگردان فلسطین سپرده شود.» اینکه برای کشتن کودکان مدام این توجیه تکرار می‌شود که صهیونیست‌ها به دنبال نابودی حماس هستند، این گزاره را در ذهن می‌نشانده که احتمالاً رسانه‌های غربی همچون صهیونیست‌ها راه حل آنچه نابودی کامل حماس عنوان می‌شود را نسل‌کشی کامل فلسطینیان می‌دانند یا شاید هم برعکس یعنی برای نسل‌کشی و توجیه آن در افکار عمومی کلیدواژه حماس را دستاو‌یز قرار می‌دهند. جمله سوم؛ «او همچنین تأکید کرد اسرائیل کاملاً به قوانین بین‌المللی متعهد است، اما باید مرزهای اسرائیل را از کنترل حماس که او آن را همانند «القاعده و داعش» نامید، پاکسازی شود.» کاش کارمندان بی‌بی‌سی فارسی بعد از تأکید بر پایبندی رژیم صهیونیستی به قوانین بین‌المللی این پرسش را نیز پاسخ می‌دادند که منظر صهیونیست‌ها از قوانین بین‌المللی چیست و طبق کدام بند این قوانین، ریختن بمب سفبری بر سر کودکان، بستن آب روی مردم، هدف قرار دادن آمبولانس و تهدید به انهدام بیمارستان مجاز شمرده است.

صاحبان آژانس‌های رسانه‌ای فهمیدند اما تروریست‌های رسانه‌های فارسی‌زبان خارجی نه

از زمان آغاز حملات هوایی صهیونیست‌ها به غزه شبکه‌های اجتماعی آمریکایی به‌صورت کاملاً غلبی راهبرد فیلتر و اعمال محدودیت را در پیش گرفتند تا جایی‌که تویتبر یا همان «X» مطلب حمایتی ژاوی هرناندز، ستاره تیم فوتبال بارسلونا از فلسطین را نیز پاک کرد. مطلبی که ژاوی با تویتت دیگری به آن واکنش نشان داد و خطاب به شبکه‌های اجتماعی «X» نوشت: «باشه دوباره انجامش می‌دم.» به‌مرور با افزایش واکنش‌های حمایتی ایلان ماسک برای اینکه منته به حمایت از صهیونیست‌ها نشود، دو اکانت را که حمایت از فلسطینیان را ترویج می‌کردند، توصیه به دنبال کردن کرد. اگرچه ایلان ماسک متأثر از فضای افکار عمومی رفتارهای نمایشی در حمایت از فلسطینیان بروز داد، اما سیاست‌های کلان شرکت زیرمجموعه‌اش یعنی متا کاملاً برخلاف این ژست است. نمونه این امر بسته شدن صدها اکانت تویتتری منتسب به فلسطینیان و نیز فیلتر هوشمند محتواهای فلسطینی حمایتی از فلسطین است. مثلاً فردی که استوری‌های روزمره‌اش ۱۰۰۰ هزار نفر ویو می‌خورد اگر یک استوری حمایتی از فلسطین بگذارد، نباید از کاهش بازدیدکنندگان استوری‌اش به ۲۰ هزار نفر تعجب کند.

